

دوره‌های رشد تفکر اجتماعی (۴) بلوغ عاطفی؛ دوره اکرام و تألیف (توضیحات کامل)



www.QuranAhlebayt.ir

دوره‌های رشد تفکر اجتماعی (۴) بلوغ عاطفی؛ دوره اکرام و تألیف

دوره چهارم رشد به نام بلوغ عاطفی نامگذاری شده است، زیرا انسان در این دوره توان یافته است تا از وجوه مختلف خود را در معرض انواع زندگی و آراستگی قرار دهد و با تنوعی از بستر و سبک زندگی روبرو شود و از رهگذر این تنوع، مسیر قرب و کمال را با شکل‌گیری صفات زیبا طی کند. در این دوره انسان امکان یافته است تا با عطف‌های مختلف با دیگران به تنوعی از پیوندهای مختلف دست یابد. تجربه زندگی جوانمردانه، زندگی سخاوتمندانه، زندگی برادرانه، زندگی عاشقانه، زندگی ولایت‌مدارانه نتیجه عطف با دیگران و ظهور مکارم اخلاق در این دوره است.

مقدمه

انسان مخلوقی با ابعاد متعدد و استعدادهای فراوان است هر یک از توانایی‌های انسان در دوره‌ای پس از دوره‌ای دیگر آشکار می‌شود.

طبیعی است ابتدا توانایی‌هایی در او ظهور پیدا می‌کند که مربوط به تشخیص خود اوست و به تدریج در او توانمندی‌هایی شکل می‌گیرد که مربوط به تعامل او با دیگران است.

انسان از ابتدای زندگی در ارتباطات و تعاملات اجتماعی قرار دارد ولی کیفیت این تعاملات بسیار مهم می‌باشد.

در ابتدای ورود انسان به زندگی ارتباطات و تعاملات از روی اضطرار و بدون اختیار است.

در ادامه در دوره دوم یعنی پس از تکلم هنوز مضطربانه، کمی اختیاری و آگاهانه و همراه با تحلیل‌های ناقص ولی خودخواهانه است.

دوره‌های رشد تفکر اجتماعی (۴) بلوغ عاطفی؛ دوره اکرام و تألیف (توضیحات کامل)



www.QuranAhlebayt.ir

در دوره سوم که دوره بلوغ است اختیارات، با نگاه به برطرف کردن نیازهای خود و از روی وظیفه و تکلیف با شعاعی اندک و طیفی در حد ضرورت است.

در دوره بعد از بلوغ که از آن به دوره چهارم یاد می‌شود، روابط و تعاملات کاملاً آگاهانه و فراتر از وظیفه و از روی محبت قلبی و در جهت گسترش می‌باشد. طبیعی است این دوره برای انسان دوره‌ای جدید و بلوغی دیگر محسوب می‌شود که در آن غیر از خود را به طور وضوح می‌بیند و می‌تواند به دوستی‌ها و دشمنی‌هایش به عنوان تدبیر و برنامه‌ریزی مشخص و به عنوان سیر و سلوک الی الله فکر کند. در این دوره است که دوستی‌ها می‌توانند به خوبی وسیله تقرب الهی قرار گیرند و بهانه‌ای برای تقویت محبت فرد به خدا شوند. سبقت گرفتن در دوست داشتن دیگری در این دوره از وجوه ممتاز آن است که نمونه آن را می‌توان در روایت زیر مشاهده کرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا اعْتَنَفَا عَمَرْتَهُمَا الرَّحْمَةَ فَإِذَا التَّرَمَا لَا يُرِيدَانِ بِذَلِكَ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ وَ لَا يُرِيدَانِ غَرَضًا مِنْ أَعْرَاضِ الدُّنْيَا قِيلَ لَهُمَا مَغْفُورًا لَكُمَا فَاسْتَأْنَفَا فَإِذَا أَقْبَلَا عَلَى الْمُسَاءَلَةِ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بَعْضُهَا لِبَعْضٍ تَنَحَّوْا عَنْهُمَا فَإِنَّ لَهُمَا سِرًّا وَ قَدْ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا قَالَ إِسْحَاقُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَلَا يُكْتَبُ عَلَيْهِمَا لَفْظُهُمَا وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ قَالَ فَتَنَفَّسَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الصُّعْدَاءَ ثُمَّ بَكَى حَتَّى أَخْضَلَتْ دُمُوعُهُ لِحَيْتَهُ وَ قَالَ يَا إِسْحَاقُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّمَا أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ أَنْ تَعْتَزَلَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا اتَّقَيَا إِجْلَالًا لَهُمَا وَ إِنَّهُ وَ إِن كَانَتِ الْمَلَائِكَةُ لَا تَكْتُبُ لَفْظَهُمَا وَ لَا تَعْرِفُ كَلَامَهُمَا فَإِنَّهُ يَعْرِفُهُ وَ يَحْفَظُهُ عَلَيْهِمَا عَالِمُ السِّرِّ وَ أَخْفَى^۱

چون دو مؤمن يك ديگر را در آغوش كشند رحمت خدا آنها را فرا گيرد و چون به يكديگر چسبند و از آن جز رضای خدا نخواهند و غرض دنیوی نداشته باشند، به آنها گفته شود:

^۱ الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۱۸۴

دوره‌های رشد تفکر اجتماعی (۴) بلوغ عاطفی؛ دوره اکرام و تألیف (توضیحات کامل)



www.QuranAhlebayt.ir

آمرزیده شدید، عمل را از سر گیرید (کنایه از اینکه نامه گناهان گذشته شما باطل شد) و چون با يك دیگر وارد گفتگو شوند، فرشتگان با هم گویند: از آنها دور شوید که رازی دارند و خدا بر آنها پرده انداخته است.

اسحاق گوید: عرض کردم: قربانت کردم، بنا بر این گفتار آنها نوشته نشود، در صورتی که خدای عز و جل فرماید: «کلمه‌ای نگوید جز آنکه رقیب و عتیدی نزد وی حاضر باشند، سوره ق، آیه ۱۸» امام صادق علیه السلام آه عمیقی کشید، سپس گریست تا اشکش ریشش را تر کرد و فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی برای احترام آن دو مؤمن بفرشتگان دستور داد که چون به ملاقات يك دیگر روند، از آنها دور شوند، و اگر چه فرشتگان الفاظ آنها را نویسند و سخنشان را ندانند، ولی خدای دانای راز و نهان تر از راز سخن آنها را بداند و حفظ کند.

بدین ترتیب دوره چهارم رشد اجتماعی دوره‌ای است که پس از مرحله‌ای از بلوغ رخ داده و خود بلوغی دیگر است. در این دوره فرد از لاک خود بیرون آمده و نه تنها می‌تواند به دیگران بیندیشد بلکه می‌تواند آنها را عاقلانه بر خود ترجیح داده بر اساس منطقی عقلانی صفات اجتماعی را از خود بروز دهد. صفاتی که نشان دهنده شکسته شدن حصر منیت‌ها است.

بروز عواطف و محبت‌های عاشقانه در این دوره یکی از ویژگی‌های آن است. بر همین اساس در این دوره انسان برای تشکیل بزرگترین رخداد زندگی‌اش یعنی تشکیل بیت به آمادگی کامل می‌رسد و بر اساس آن شأن، روحیات و رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهد.

مهم‌ترین اتفاقی که در این دوره برای انسان مقرر شده است، شکوفایی تفکر اجتماعی در اوست. این تفکر که در دوره‌های قبل آموزش داده شده است در این دوره به مرحله خودشکوفایی می‌رسد.

دوره‌های رشد تفکر اجتماعی (۴) بلوغ عاطفی؛ دوره اکرام و تألیف (توضیحات کامل)



www.QuranAhlebayt.ir

با شکوفایی تفکر اجتماعی قدرت مودت و تألیف در فرد به وجود آمده و با داشتن این توان مسیر زندگی به سمت کمال مطلوب سوق پیدا می‌کند.

همچنین در این دوره احسان و کرامتی که فرد در دوره قبل در او شکوفا شده به اکرام و تکریم دیگران تبدیل می‌شود. بدین ترتیب در کرامت نفس ارزش‌های ذاتی خود را شناخته است و در این دوره این ارزش‌ها را می‌تواند از روی نیاز و فقری که احساس می‌کند به دیگران انتقال داده و خود را برای دیگران از مواهب دنیوی محروم نماید.

بنابراین آنچه در این دوره حائز اهمیت است بروز انواع محبت و کاربرد آنها در زندگی است. لذا هر قدر دوره‌های قبل به خوبی طی شده باشند در این دوره محبت‌های بیشتری را با کیفیتی متفاوت تجربه کرده و به کار می‌گیرد.

و اگر مراحل قبل طی نشده باشد و تنها از نظر سن طبیعی فرد در این مرحله قرار داشته باشد به انواع بحران‌های عاطفی گرفتار شده و نامتعادل می‌گردد. زیرا از نظر سنی نیز نوعی محبت در او شکوفا می‌شود ولی محبتی که مربوط به رشد عقلانی است در فرد شکل گرفته نمی‌شود. و از این رو زندگی فرد دچار انواع اختلال می‌گردد.

بر اساس مطالب فوق دوره چهارم به بلوغ عاطفی نامگذاری شده است تا:

۱. عواطف رحمانی به شکل ویژه‌تری به انسان نازل شود.
۲. محبت‌های جهت‌دار الهی توسعه یابد.
۳. صفات و کرائم نفسانی به شکل توسعه یافته‌تری به دیگران انتقال یابد.
۴. فرد از لاک فردیت خارج و در بستر جامعه با تدبیر ورود پیدا کند.
۵. دیگران وسیله‌ای برای ابتلائات و زمینه‌ساز رشد و بستر عمل فرد باشند.

دوره‌های رشد تفکر اجتماعی (۴) بلوغ عاطفی؛ دوره اکرام و تألیف (توضیحات کامل)



www.QuranAhlebayt.ir

۶. احسان بی دریغ و اکرام عاقلانه و دوستی‌های همگرای الهی برای پیشبرد مقاصد دینی و توسعه حاکمیت الهی شکل گیرد.

۷. تدبیر و برنامه‌ریزی فردی به تدبیر اجتماعی تبدیل گردد.

۸. استعدادهایی که خداوند در انسان گذاشته است در جریانی از عطا به دیگران قرار گیرد.

۹. عبودیت فردی سمت و سوی اجتماعی به خود گرفته و اجتماع به عنوان ضروت اجتناب ناپذیر تلقی گردد.

۱۰. فعالیت‌های اجتماعی از جمله تشکیل بیت و خانواده به عنوان مهم‌ترین محمل برای

ارتقای رشد تلقی شده و خودگذشتگی و ایثار و محبت‌های رحمانی یک‌طرفه به عنوان نقد رایج توسعه یابد و اساس زندگی فرد قرار گیرد.

۱۱. صفات خودخواهانه و خودپسندانه به طور کلی از زندگی فرد خارج شده و به جای آن صفات رحمانی جایگزین گردد.

خواننده محترم کافی است با مطالعه فرازهای فوق به اهمیت این دوره از دوران زندگی انسان پی‌ببرد زیرا در این دوره عبودیت انسان به سمت خالص‌سازی و توسعه و عجین شدن با رحمانیت سوق می‌یابد.

کتاب حاضر سعی و تلاشی بسیار اندک در معرفی این دوره است. و اعتقاد کلی بر این است که اگر فردی به این بلوغ دست نیابد زندگی خانوادگی موفق و پرسودی را تجربه نخواهد کرد.

همچنین بر این اعتقاد است که بلوغ عاطفی پس از بلوغ تکلیف در انسان پدیدار می‌شود و تا قبل آن فرد عاقلانه نمی‌تواند دیگران را بر خود ترجیح دهد.

دوره‌های رشد تفکر اجتماعی (۴) بلوغ عاطفی؛ دوره اکرام و تألیف (توضیحات کامل)



www.QuranAhlebayt.ir

همچنین سطح بلوغ عاطفی در اتقای انسان به قدری فراوان است که اگر کسی چنین بلوغی را تجربه نکند دین و عبودیت او کامل نیست.

نشانه بلوغ عاطفی گسترش صفات نیک و میل به صفات رحمانی مانند سخاوت، جود، محبت به دیگران و... می‌باشد و این نشانه‌ها در توصیف چنین بلوغی کافی است.

این بلوغ را به نام‌های مختلفی چون «بلوغ ودی»، «بلوغ قلبی» و «بلوغ اجتماعی» می‌توان نامید و وجه تسمیه هر یک نیز در فاتحه کتاب آمده است.

عناوین فصول این کتاب عبارتند از:

فاتحه: ویژگی‌های دوره چهارم

فصل اول: عطف با دیگران به اعتبار روابط انسانی

فصل دوم: عطف با دیگران بر اساس حوائج انسانی

فصل سوم: عطف با دیگران به اعتبار روابط برادری

فصل چهارم: عطف با دیگران بر اساس روابط ارحامی

فصل پنجم: عطف با دیگران بر اساس روابط ولایی

فصل ششم: ظهور زیبایی و حسن

خاتمه: نگاه به جوانی با رویکردی نو